

ما می گوئیم:

۱. ما حصل فرمایش مرحوم اصفهانی آن است که:

۱. ملاک ایجاب مقدمه نمی تواند استلزام عدمی باشد چراکه این امر، یک نکته عدمی است و نمی

تواند ملاک باشد. (خاصیت ثبوتی باعث چنین امری شده است)

۲. ملاک ایجاب مقدمه نمی تواند امکان ذاتی، امکان وقوعی و امکان استعدادی و امکان بالغیر باشد.

۳. ملاک ایجاب مقدمه نمی تواند «تمکن مکلف از ذی المقدمه» باشد چراکه تمکن لازمه وجود

مقدمه نیست و نمی تواند ملاک ایجاب مقدمه شود.

۲. در پاسخ می توانیم بگوئیم، اولاً ملاک ایجاب مقدمه، می تواند «اتمام امکان استعدادی» باشد چراکه

در افعال اختیاری هر چه مقدمات کامل تر می شود، «امکان استعدادی حصول ذی المقدمه» بیشتر می

شود و همانطور که قدرت بر مقدمه قدرت بر ذی المقدمه است و لذا امر به ذی المقدمه درحالیکه مکلف

تنها بر مقدمه اش قدرت دارد صحیح است (و لذا مقدمه شرط وجوب ذی المقدمه نمی شود)، امکان

استعدادی ضعیف که قبل از مقدمه موجود است، با آمدن مقدمه تکمیل می شود.

ثانیاً: می تواند ملاک ایجاب مقدمه، ایجاد یک امر ثبوتی باشد که به سبب اثر آن (یعنی استلزام عدمی)

آن را می شناسیم.

ثالثاً: مرحوم اصفهانی می فرمودند ملاک نمی تواند امکان استعدادی باشد چراکه قبل از تحقق مقدمه هم

این امکان موجود است (و لذا مکلف به ذی المقدمه امر شده است و لذا مقدمه شرط وجود ذی المقدمه

است و نه شرط وجوب آن)

در این باره می گوئیم این سخن درست است ولی اگر مقدمه اصلاً واقع نشود و با فرض اینکه مولا تصور

کند عدم مقدمه را، ذی المقدمه امکان استعدادی ندارد. پس مقدمه در بودن امکان استعدادی دخیل است.

